

این مجله در پایگاههای اطلاعاتی زیر نمایه می شود

۱. انفورماتیک دانشگاه تهران www.it.ut.ac.ir

۲. کتابخانه منطقه ای علوم و تکنولوژی (شیراز) www.srlst.com

۳. پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی www.SID.ir

۴. مجتمع مطبوعات تخصصی کشور www.majalleh.com

۵. بانک اطلاعات نشریات کشور www.magiran.com

«فصلنامه سیاست» پیشتر به مدت ۳۶ سال از ۱۳۴۹ تا پایان ۱۳۸۵، ۷۴ شماره با نام «مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی» در بردارنده بخش مقاله های حقوقی و سیاسی منتشر می شد.

● مدیر اجرایی: حسین یکتا

● آماده ساز: ملیحه علی

● امور مربوط به مشترکین: حسین طالقانی

● ۲ ناشر: دانشگاه تهران

● صحافی و چاپ: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

● نشانی پستی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، دانشگاه تهران

● آدرس وب سایت: WWW.Journals.ut.ac.ir

● آدرس الکترونیکی: <http://JPQ.ut.ac.ir>

● قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

● برای دانشجویان دانشکده: ۸۰۰۰ ریال

به نام خداوند جان و خرد

فصلنامه سیاست

(علمی - پژوهشی)

مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

دوره ۳۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷

فهرست مطالب

۱. سیدرحیم ابوالحسنی
مؤلفه های هریت ملی با رویکردی پژوهشی.....
۲۳. فرشته سادات انفاق‌فر
زمینه‌های پیدایش جنگ‌های داخلی در تاجیکستان پس از استقلال و نقش جمهوری اسلامی
ایران در برقراری صلح و ثبات در آن کشور.....
۳۹. حمید احمدی - مرتضی منشادی
پیوستار تاریخی جنبش‌های اجتماعی - سیاسی معاصر ایران.....
۵۵. بهرام اخوان کاظمی
ارزیابی کاربرد هرمنوتیک در پژوهش‌های سیاسی اسلامی.....
۷۷. مجید استوار
تأثیر اندیشه هایک بر ایدئولوژی‌های سیاسی راست و چپ.....
۹۹. کیومرث اشتریان - راضیه امامی میدی
سیاست‌های انتقال قوا: بررسی نقش دانش ضمنی.....
۱۱۳. همایون الهی - زهره پوستین چی
شکل‌بندی امنیت همیارانه در خلیج فارس.....
۱۳۳. محمدرضا تخشید - جهانشیر منصوری مقدم
سیاست امنیت ملی آیزنهاور و تأثیر آن بر سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران.....
۱۵۳. محمد توحیدفام
روشنفکری و سیاست در گذر تاریخ.....
۱۷۷. سیدمحمد کاظم سجاده‌پور
هویت، حاکمیت و نوسازی: ایران در آرشبو سازمان‌های بین‌المللی در زو ۱۹۲۵ - ۱۹۰۰.....
۲۰۱. محمدعلی شیرخانی - اکبر مهدی‌زاده
عمل‌گرایی در سیاست خارجی و گسترش روابط اقتصادی ایران و چین (۱۹۷۹-۱۹۹۹).....

- 7- *The Los Angeles Times*, 2 October 1991.
- 8- Lively, Jack and Andrew Reeve, *Modern Political Theory from Hobbes to Mark*, Rutledge Publication U.K., 2001, p.19.
- 9- Suzanne Crow, "Informal Group in Tajikistan: Will They Have a Role", *Report on the USSR*, 23 February 1990, pp.20-23.
- 10- Naby Eden, "Tajik Political Legitimacy and Political Parties", *The Iranian Journal of International Affairs*, vol 5, No 10, Summer 1992, pp.171-184.
- 11- Roi, Yacob, *Islam in the Soviet Union: From World II to Perestroika*, Hurst Publication U.K. 2000, p.91.
- 12- Rubin, Barnet (1994), The Fragmentation of Tajikistan, in: *Survival*, Vol.35, Winter 1993-1994.
- 13- Smith, Graham, *The Nationalities Question in The Soviet Union*, Fourth Edition, U.K., 1992, pp.221-223.
- 14- *World Bank Statistical Handbook*, (Washington, D.C, 1992), The Section on Central Asian Republics.
- 15- "Weekly Record of Events", *Reports on the USSR*, 2 March 1990, pp.34-36.

پیوستار تاریخی جنبش‌های اجتماعی - سیاسی معاصر ایران

حمید احمدی*

استاد گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مرفعی منادی

مربی دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

(تاریخ دریافت: ۸۷/۳/۱ - تاریخ تصویب: ۸۷/۴/۱)

چکیده:

در این مقاله جنبش مشروطه خواص به عنوان نتیجه تلاش‌های اصلاح طلبان ایرانی در فرایند تاریخ اصلاح طلبی در دوران قاجار مورد بررسی قرار گرفته است. پیروزی جنبش مشروطه خواص نتیجه شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران، و به بار نشستن تلاش‌های اصلاح طلبانه ای در نظر گرفته شده است که از سال‌ها قبل از آن انجام گرفته بود. این پژوهش با توجه به ویژگی‌های این جنبش، بر فهم و آگاهی رهبران مشروطه از مؤلفه‌های تجدد، نوسازی فرهنگی و اجتماعی تأکید می‌کند. از این منظر، مشروطه خواهان ادامه دهنده کوشش‌های اصلاح طلبانه ای بودند که دست کم از اوایل حکومت قاجاران شروع شده بود و جنبش مشروطه خواص را در پیوستار تاریخی اصلاح طلبی ایرانیان قرار داده بود.

واژگان کلیدی:

جنبش اجتماعی - اصلاح طلبی - مشروطه خواص

مشروطیت پدیده ای تاریخی است و باید آن را در فرایندی تاریخی و در بستر شرایط اجتماعی و بزواری که منجر به شکل گیری آن شد، مورد بررسی قرار داد. در تفسیر مشروطیت روایت های مختلفی مورد استناد قرار می گیرند. گروهی در بحث از جایگاه تاریخی و فرهنگی مشروطیت از عدم درک معنای مشروطیت می گویند. به معنای آن به دیده تردید می نگرند، و آن را فاقد خصیصه های تاریخی - اجتماعی می دانند. گروهی دیگر در تقلید از گروه اول و بدون نشان دادن اساس معرفی خود از شکست مشروطیت سخن می گویند؛ گروه اخیر ناکامی مشروطه را در طرز تفکر مشروطه خواهان و ناآگاهی رهبران مشروطه از شرایط جامعه ایران اعلام می کنند. اما بررسی اسناد و مذاکرات نخستین مجلس شورای ملی، داوری کلی درباره میزان آشنایی نمایندگان آن دوره را با معنی مشروطه و اصول مشروطیت بسیار دشوار می سازد. همزمان با کسب قدرت قاجاران، ایران وارد عصر جدیدی شد که تحولات پرفراز و نشیب آن، نسبت به دوره های قبل بی نظیر بود. ظهور و نشر افکار جدید سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در بستر تحولات بوجود آمده در عصر قاجاریه، واکنش های مختلفی را برانگیخت. ایرانیان در آن دوره مفاهیمی را به کار گرفتند که تجربه زبانی و تاریخی آن را نداشتند. از این جنبه حکومت خاندان قاجار، دورانی منحصر به فرد در تاریخ ایران محسوب می شود.

در زمان بروز و گسترش جنبش مشروطه، جامعه ایران، جامعه ای بود که در آن تنش های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی چنان شدت گرفته بود که به بحران تبدیل شده بود. یکی از بررسی های مهم در بررسی این جنبش، ارتباط آن با تحولات قبل از آن و چگونگی تحلیل می باشد. در این مقاله کوشیده شده است ضمن برهیز از چهارچوب های جهانشمول، بر ویژگی های جنبش مشروطه خواهی، و ارتباط آن با پدیده های قبلی تأکید گردد.

۱- فرآیند مشروطه خواهی

یافتن نقطه آغاز مشخص و مورد پذیرش همه محققان، در مورد جنبش مشروطه خواهی مشکل است. آیا همان گونه که کسروی می گوید، باید امتیازنامه نوتون و تیاکو (زی) که وبای بیگانگان را به کشور باز کرد و اروپائیان در ایران فراوان شدند (کسروی، ۱۳۳۳: ۱۵) و اعتراض و شورش سال ۱۳۳۸ ایرانیان بر ضد آن را که به انگیزه «پروای سودو زبان کشور» و به عنوان «نخستین تکان در توده ایران» (امام، ۱۳۷۸) دانسته می شود، نقطه آغاز به شمار آوریم (ناظم الاسلام، ۱۳۳۲: ۱۹، ۲۰ و بزوب، ۱۳۳۶: ۱۶) یا به زمان اعتراض عمومی به امتیاز یا انحصارنامه دولتی، به عنوان استعمارترین امتیاز که از سوی ناصرالدین شاه به یک تبعه انگلیس واگذار شد (ایرانداد، ۱۳۷۷: ۵۰-۵۲، پروازیم، آیا باید به گذشته ای دورتر و زمان شکست های

ایران از روسیه و تلاش های عباس میرزا و قائم مقام برای یافتن پاسخ علل عقب ماندگی ایران بازگردیم؟ (ریاست، ۱۳۳۸: ۲۲) به هر حال، نقطه آغاز، هر چه باشد، برای دانستن چگونگی و تحلیل جنبش مشروطه ناگزیر باید به شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران در آن دوران توجه کرد.

پیشرفت های اقتصادی ناشی از استعمار و انقلاب صنعتی و به تبع آن رشد و گسترش مفاهیم جدید در اروپا، کشور ما را نیز همچون اکثر کشورهای جهان تحت تاثیر قرار داد. در اروپا تحت تاثیر عوامل یاد شده، فلسفه زندگی انسان و نگرش های اجتماعی و سیاسی، تغییر کرد و در نتیجه دیدگاه انسان نسبت به جهان و طبیعت تحول یافت و ارزش های فردی و اجتماعی جدیدی پدیدار گشت. این تحولات منجر به رشد و توسعه در ابعاد مختلف زندگی انسان غربی شد (امیت، ۱۳۵۶: ۱۱). مسیر تحولات اروپا و گسترش نفوذ و افزون خواهی حکومت های اروپایی، به تدریج توجه روشنفکران و حکومت های دیگر را جلب کرد و تلاش برای ایجاد تغییرات، با توجه به مقتضیات و شرایط جدید جهان را آغاز کردند.

ایرانیان از سقوط صفویه تا به قدرت رسیدن قاجاریه، به دلیل هرج و مرج فرصت ها را جهت پیشرفت از دست دادند؛ به نظر میرسد جامعه ایران در طول قریب به یک قرن شاهد هیچ تحولی نبود. مقایسه تصویری که جیمز موریه در اوایل قرن نوزدهم در «حاجی بابای اصفهانی» از جامعه ایران ارائه می دهد، با آنچه پیر لوتی در «سوی اصفهان» از جامعه ایران در اوایل قرن بیستم به تصویر کشیده است، آن چنان به یکدیگر شبیه هستند که تعجب هر خواننده ای را برمی انگیزد. در آستانه قرن سیزدهم هجری، ایران در مقایسه با اروپا کشوری عقب مانده و سنتی محسوب می شد (ایرانداد، ۱۳۷۷: ۱۱-۱۲). تسلط ساختار کشاورزی سنتی و اقتصاد معیشتی، عدم تحرک در ساختار سیاسی، تداوم و اقتدار نظام ایلخانی به عنوان سنتی دیرینه در ساخت سیاسی کشور، باعث رکود و عدم تحرک ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شده بود.

در واقع با جنگهای ایران و روسیه که منجر به قراردادهای گلستان و ترکمان چای شد و جنگ هرات که قرارداد پاریس را در پی داشت، ایران وارد معادلات نوین جهانی شد که با امکانات سنتی نمی توانست در آن دوام بیاورد. این قراردادها گذشته از این که باعث از دست رفتن بخش هایی از ایران شدند، از نظر سیاسی عدم توانایی حکومت قاجاری در یکپارگی شیوه های جدید را در عرصه های تازه سیاست خارجی و داخلی به نمایش گذاشت. این مسائل زمینه های بروز نخستین آگاهی های فرهنگی را از تحولات جهانی فراهم ساختند. هماهنگی با ضعف در حوزه سیاست، نچار نیز در نتیجه انعقاد قراردادهای پیش گفته که بازگانان بیگانه را از امتیازات و تخفیف های گمرکی برخوردار کرد. در آستانه ی ورشکستگی قرار گرفتند.

از سوی دیگر، کوشش‌های نافرجام نوگرایانی چون عباس میرزا، قائم مقام و میرزا تقی خان امیرکبیر و حضور اروپائیان در قالب هیات‌های سیاسی و تجاری، ترجمه، چاپ و نشر برخی از آثار ادبی، سیاسی و علمی اروپا، تأسیس دارالفنون و بازگشت جوانانی که برای تحصیل علوم جدید به غرب اعزام شده بودند، سفرهای پادشاهان قاجار به اروپا، تفکر تغییرخواهی و میل به تحول‌طلبی را در ایران تقویت کرد. اما، اصلاحات امیرکبیر، با مقاومت شدیدی (که توسط ائتلاف نیرومندی از نخبگان که از اصلاحات زیان می‌دیدند) روبرو شد و شکست خورد. اقدامات اصلاح‌گرایانه میرزا حسین خان سپهسالار نیز در مقابل طیف متناقضی از نخبگان یا شکست مواجه گردید. توضیح آنکه در این مورد، آمیزه‌ای از جنبش نخبگان و مردم، با ایستادگی در برابر امتیاز روبرو، راه را بر دولت بستند. در اصلاحاتی که توسط این دولتمرد و همفکران او انجام گرفت بیش از آنکه با غرب مقابله شود یا آن همکاری شد؛ و بیش از آنکه به تقویت جامعه توجه شود به قدرت دولت پرداخته شد (ابراهیمیان، ۱۳۷۷: ۴۸). به نظر می‌رسد در این سال‌ها مسائل ملموس اصلاحات، تجدد، مرکزیت، صنعتی شدن و استقلال ملی همگی مطرح بود، اما درک درستی از آنها وجود نداشت و جنبش‌ها با منافع فردی گره خورده بود (فوران، ۱۳۷۸: ۲۴۹).

در دوره ناصری، ایران در مدار جهان سرمایه‌داری جدید غرب و مدنیت ناشی از آن قرار گرفت. از این تاریخ به بعد، قدرت‌های برتر اروپا، نقشی مهم و دیرپا در ایران به دست آوردند. این امر نتیجه دسیسه و نوظهور جنبی‌های اروپائیان نبود، بلکه نتیجه قهری تأسیس مدنیت مدرن و لازمه ذاتی آن بوده (امیری، ۱۳۸۲: ۹۰). ناصرالدین شاه زیر فشار تحولات ناشی از ارتباط با دولت‌های اروپایی، تصمیم گرفت تغییری ایجاد کند، اما آنچه او انجام می‌داد، چیزی جز هوسبازی نبود (اصدلسلطه، ۱۳۸۵: ۳۲۶). و به همان سرعتی که ایجاد می‌شد، با همان سرعت ناپدید می‌شد. حاکمان قاجاری از درک تحولات داخلی و خارجی عاجز بودند و نتوانستند مبنای درستی از رابطه بین حکومت و مردم ارائه دهند. این عوامل، اولین تکانه‌های اجتماعی خود را در جنبش تحریم تنباکو نشان داد. در چنین شرایطی، سرور ناصرالدین شاه صلاحیت ظاهری قاجاریان را هم به زیر سؤال برد.

از سوی دیگر عصر ناصری در شرایطی به‌طور ناخواسته در مدار عصر مدرن قرار گرفت که به لحاظ اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی با آن فرسنگ‌ها فاصله داشت (امیری، ۱۳۸۲: ۹۰). رویارویی با دوران جدید، معیارهای سیاسی موجود را در معرض تغییر قرار داد، و اعتبار هنجارهای قدیمی را با چالش جدی روبرو ساخت، و باعث شکل‌گیری آرمان‌ها و اندیشه‌های جایگزین به سبک جدید، یا حداقل متأثر از آن گردید. به عبارت دیگر حوزه سیاسی در اواخر دوران قاجارها، به خصوص از دوره ناصری به بعد، دیگر قادر به نظم بخشی در ایران نبود.

ایران در این دوره عرصه ناخست و تاوها و دچار هرج و مرج داخلی بود. سازوکارهای سنتی پاسخ‌گویی نیازهای جدید نبود، و سرانجام تحولات ناشی از پیوند اقتصاد ایران با بازارهای جهانی، منجر به پیدایش اقشار و طبقات اجتماعی تازه‌ای شد که با ساختارهای کهن و نظم ناشی از آنها چندان سازگار نبود و ضرورت تحولات را گوشه می‌کرد. بدون تردید جمعیت از نخبگان آن دوره به روشنی دریافته‌اند که دنیای مدرن، افق روزگار آنان است و هیچکس و هیچ چیز را نمی‌توان از آن برکنار دانست.

در طول دوره حکومت قاجاران، همواره کشمکش‌ها و شورش‌هایی وجود داشت. شناخته‌شده‌ترین این ناآرامی‌ها، کشمکش بر سر جانشینی شاه بود (فوران، ۱۳۷۸: ۲۳۷). اما، در طول چهل و پنج سال از سلطنت ناصرالدین شاه، ۱۶۹ کشمکش، شورش و جنگ محلی اتفاق افتاد (مستوفی، ۱۳۱۳: ۷۸، ۱۳۱۴: ۳۳). این ناآرامی‌ها اغلب تجلی نارضایتی عمومی از مقام‌های ایالتی برسر مسائلی مانند مالیات اضافی، گرانی مواد غذایی، کمبود نان، منقرض بودن حکام و... بود این شورش‌ها از حمایت روحانیان و سرشناسان محلی برخوردار بودند. این قبیل جنبش‌ها هدف‌های محدودی داشتند. حتی زمانی که پیروز هم می‌شدند، از نظر دامنه کاملاً انقلابی نبودند و غالباً به حوزه شهر یا منطقه مشخص محدود می‌شدند (فوران، ۱۳۷۸: ۲۳۸-۲۳۹).

جنبش تحریم تنباکو، نخستین جنبش گسترده بوده‌ای بود. در این جنبش ائتلاف بزرگی از روحانیان، بازرگانان، صنعتگران، پشه‌وران، روشنفکران و گروه‌های فرودست شهری به رهبری روحانیون وارد عمل شد. جنبش تنباکو با تمرکز برای لغو یک امتیاز در واقع یک هدف بیشتر نداشت و با لغو امتیاز رزی به هدف خود دست یافت. با این وجود، جنبش دستاوردهای مهمی داشت؛ از یک طرف توان مقابله مردم را در برابر شاه و نظام استبدادی نشان داد، از سوی دیگر، قدرت رویارویی نوده مردم را با قدرت‌های خارجی به خصوص انگلستان آشکار کرد. همچنین، پیروزی جنبش تحریم تنباکو، تأییدی بود بر قدرت روحانیان در برانگیختن و به میدان آوردن اقشار گوناگون مردم (که از زمان جنگ‌های ایران و روس و فتوای جهاد سابقه نداشت) و بالاخره، این پیروزی در مواضع قدرت انگلستان و روسیه نوعی جابجایی به وجود آورد و باعث افزایش نفوذ روسیه در میان سیاستمداران و درباریان ایران شد.

با جلوس مظفرالدین شاه به تخت شاهی و صدارت عین‌الدوله، یازدهمگرمشکلات متعدد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی موجب بروز و گسترش ناآرامی‌ها شد. به دنبال یک سلسله حوادث و رویدادهایی نظیر تورم و گرانی، انتساب نوز بلژیکی در رأس اداره گمرکات و تغییر برخی مقررات گمرکی به سود کالاهای روسی، ساخت بانک استقراضی در زمین وقفی، مهاجرت به حضرت عبدالعظیم، مهاجرت به قم و بستنشینی در سفارت انگلیس، برخی از رجال نوگرا را که از دهه‌های قبل در دستگاه حکومتی حضور یافته بودند نیز به تکاپو

و ادانت. در تشریح این فرآیند باید گفت، برخی از مردان سیاست که در نظام حکومتی قاجار انجام وظیفه می‌کردند، بدنبال آشنایی که با تحولات دنیای سیاست در کشورهایی چون روسیه و عثمانی به دست آورده بودند و با آگاهی از سیستم کشورداری غربیان، طرح دولت منظم را برای ایران و اداره آن عنوان کردند؛ قائم‌مقام و امیرکبیر دو تن از کنشگران سیاسی ایران بودند که برای نخستین‌بار در میان مقامات اجرایی، سخن از انتظام امور کشورداری به میان آوردند و ادهان را به سوی تغییر رویه کشورداری و محدود و مقید کردن اقتدار فردی شاه و بس‌مبالاتی درباریان متوجه کردند. آنان به درستی دریافته بودند که بقای کشور و دوام رعیت وابسته به حکومت منظم است که در آن سیستم قضائیه‌نشات گرفته از قانون و اداره مملکت منوط به قانون‌گذاری و قبول مسئولیت، وابسته به پاسخگویی مجریان است؛ این مسائل در ظرف زمانی نزدیک به پنجاه سال پیش از مشروطیت مورد توجه قرار گرفت و متولد شد و با صدور فرمان مشروطیت و نهادهایی که به دنبال آن ساخته شدند، به بار نشست و نخستین دستاوردهای مدرنیته در ایران از راه نوسازی سیاسی انجام گرفت.

به این ترتیب سرآغاز دوران مشروطه‌خواهی را می‌توان تلاقی روشنفکران و اصلاح‌طلبان حکومتی در نقطه قانون و آزادی‌خواهی، توسعه اقتصادی و ناسیونالیسم دانست. جنبش مشروطه‌خواهی ایران در حقیقت تلاشی جمعی برای یافتن راهی به آینده درخشان بود، زیرا در زمانی که اروپا با آغاز قرن بیستم میلادی، با اقتدار و به سرعت پایه‌های ترقی و توسعه را طی می‌کرد، مشروطه‌طلبان ایران به دنبال پیدا کردن راهی برای جبران عقب‌ماندگی و گسره‌گشایی از معضل انحطاط جامعه ایران بودند. مشروطه‌خواهان همچون اسلاف خود با فراست دریافته بودند که با حکومت مطلقه و مستبدانه، ساختارهای کهن اجتماعی و روابط نادرست اقتصادی، نه می‌توان استقلال مبین را حفظ کرد، و نه راهی برای ورود به دنیای جدید جست.

۲- پیروزی جنبش مشروطه‌خواهی

در همان دورانی که سیاستمداران به کار ساخت و سازهای حکومت منظم مشغول بودند، تنخیکان فرهنگی نیز سخن از دگرگونی در فرهنگ سنتی و سنت فکری پیشینیان به میان آوردند که در واقع تکمیل‌کننده نوسازی سیاسی بود و شیوه زمامداری قبیله‌ای قاجاریه را به چالش می‌کشید؛ محور نوسازی فرهنگی، انتقاد از باورهای بود که در بیگانگی از فردیت انسان و رعایت حقوق طبیعی او در طول تاریخ ایران‌زمین شکل گرفته بود (براه‌ای، ۱۳۸۱: ۲، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷) به این ترتیب رویکرد سنتی به سیاست به چالش کشیده شد و الزامات واقعی جامعه بانگهای خرم‌مندان به امر سیاسی؛ مورد توجه قرار گرفتند و نخستین متن‌های اجتماعی و سیاسی، به نفع دگرگونی‌های ذهنی روشنفکران عصر ناصری نوشته شدند.

مشارالدوله، طالب اف، ملکم خان و آخوندزاده از جمله این نوگرایان به شمار می‌آیند. با گسترش این عرصه‌ها، جامعه ما شرایط مدرن زندگی و سیاست را به تجربه گذاشت و دوره‌ای دیگر در سیر تاریخی ایران به وجود آمد، که از دوران پیشین متمایز است.

پیروزی ژاپن بر روسیه در سال ۱۹۰۴-۱۹۰۵ به معنای ضعف قدرت روسیه پنداشته شد و انقلاب ۱۹۰۵ روسیه این برداشت را تأیید کرد. در همین دوران، سه بار مردم تهران در برابر دولت اقدام به اعتراض کردند. در روز ششم اردیبهشت ۱۲۸۴ حدود دویست نفر از صرافان و بازرگانان تهران، دکان‌های خود را بستند و خواهان برکناری نوز و تعهد دولت به باز پرداخت بدهی‌های خود شدند. حکومت با وعده و وعید آنان را آرام کرد (نظام‌الاسلام، ترمی، ۱۳۶۲: ۲، ۱۹۲-۱۹۳) در روز بیستم آذر ۱۲۸۴ دو نفر از تجار قند به اتهام احتکار و گران‌فروشی، فلک شدند. این اقدام منجر به اعتراض نسبتاً گسترده روحانیان، بازرگانان و اصناف شد؛ که در روز بیست و دوم آذر در حرم حضرت عبدالعظیم بست نشستند، و خواهان برکناری نوز و ایجاد عدالتخانه شدند (امان، ۳۳۱-۳۳۲). بالاخره، در تابستان ۱۲۸۵ سومین نا آرامی، در نتیجه عدم اجرای درخواست‌های قبلی و به صورتی گسترده شروع شد. در روز بیستم تیرماه ۱۲۸۵ / ۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۴ ق، صدراعظم تصمیم به تبعید واعظ مشهور "شیخ محمد واعظ" مشهور به سلطان‌الواعظین گرفت. مردم جهت جلوگیری از تبعید واعظ محبوب خود ازدحام کردند. در تقابل نیروهای حکومتی با معترضان، طلبی‌ای به نام سیدعبدالحمید کشته شد (رضوی، ۱۳۶۵: ۱۱۰-۱۱۱). درگیری‌های روز بعد منجر به کشته شدن تعداد بیشتری از مردم گردید. هفته بعد تعداد قابل ملاحظه‌ای از روحانیان به رهبری دومجهت بزرگ آن دوره، سیدمحمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی به شهر قم مهاجرت کردند. با فاصله زمانی کوتاهی از این مهاجرت، گروهی از بازرگانان، صنعتگران، طلاب و جماعتی از مردم عادی با اجازه کاردار سفارت انگلستان در تهران (گرات داف) در باغ و حیاط سفارت بست نشستند. (رضوی، ۱۳۶۵: ۱۱۶) متخصصان خواستار برکناری صدراعظم، حکومت قانون و بازگرداندن روحانیان از قم شدند. شاه در روز هشتم مرداد صدراعظم را برکنار کرد و از روحانیان متخصص در قم خواست که به تهران بازگردند. بستنشینیان در این مرحله خواهان مشروطه و مجلس شورای ملی بودند (نظام‌الاسلام، ۱۳۶۲: ۵۱۰، رضوی، ۱۳۶۵: ۱۱۹-۱۲۰).

شاه طی فرمانی به برپایی مجلس رضایت داد. نخستین پارلمان ایران ایجاد و اولین قانون اساسی رسمی به تصویب رسید و به تعبیری «ایران در زمره‌ی ممالک کنتی‌توسیون» درآمد. از آن پس بود که نهاده‌سازی در ایران شروع و قوانین عرفی تصویب و معادلات اجتماعی و سیاسی رنگی دیگر به خود گرفت که در آن نظام مطلقه به تفکیک قوا تغییر کرد، پایگاه ارباب، و رعیتی به حقوق شهروندی تبدیل و نخستین جوان‌های دنیای نو، در ایران شکوفا شدند.

اصلاحگری در ایران، از دورترین زمان‌ها و با نام‌های برجسته‌ای چون بزرگمهر، عبدالملک ابونصر کندی، خواجه نظام‌الملک طوسی و ابوالفضل بهمنی آغاز شد؛ و سپس به دوران جدید رسید. تأسیس سلسله قاجار و استمرار قدرت فتحعلی شاه با کاروانی صدر اعظم‌هایی چون میرزا ابراهیم کلانتر و میرزا شفیع مازندرانی جامعه عمل پوشید. بعد از مرگ آغا محمدخان، جانشین او تغییراتی را در نحوه اداره کشور، به تقلید از صفویان انجام داد. در زمان فتحعلی شاه، ابتدا وزارت خارجه تأسیس شد. پس از آن سه وزارتخانه داخلی، عامه و مایه به وجود آمدند. (دورهم، ۱۳۸۵: ۱۰۱). اولین رساله سیاسی در نقد حکومت و عملکرد آن و در نتیجه ضرورت اصلاح، رساله‌ای است به نام «دستورالاعقاب» که در ایام صدارت میرزا آقاسی و سلطنت محمدشاه نوشته شده است. در این رساله شکواییه از حکومت به این‌گونه طرح شده است: «به واسطه اتمه مطبوعه که از ولایت انگلیز و بعضی از ولایات فرنگ به ایران سایر و دایر آمد، امر معاملات نجار و نساج این مملکت به نوعی روی به اختلال نهاد که خراج دیوان و مثال سلطان را نقصانی فاحش حاصل آمد» (میراساج، ۱۳۸۴: ۱۲). میرزا آقاسی برای حفظ ساخت سیاسی و اقتصادی کشور به اعمالی دست زد، که برای بقای یک نظام سنتی ضروری است. هراس او از بیگانگان، و نفوذ آنان در ایران، در جریان جنگ هرات منجر به توقیف نماینده دولت انگلستان و ترک مراده سیاسی با آن کشور گردید (رئیس، ۱۳۴۸: ۳۷). او برای نجات دولت از مشکلات اقتصادی، روش افزودن به املاک دولتی را پیش گرفت، و در مدت چهارده سال صدارت، در حدود ۱۴۳۶ ملک و مزرعه و دهکده را در نقاط مختلف کشور به نفع دولت ضبط کرد (بنداد، ۱۳۷۸: ۲۰۷). او کشت درخت ثوت در ایالت کرمان را رواج داد تا از نزول صدور و تجارت ابریشم ایران جلوگیری کند (ولسن، ۱۳۴۸: ۳۲۹). آباد کردن املاک و روستاها و مزارع دولتی کار روزانه او بود. کارخانه اسلحه‌سازی و اسلحه‌خانه که دولت چهل و پنج سال از آن فایده می‌برد (امدادسلطه، ۱۳۸۵: ۳۱). به وسیله او منظم شد و دانشجویانی برای آموزش پارهای از صنایع به اروپا فرستاد (سرفی، ۱۳۲۳: ۵۲).

در سال ۱۳۷۵ ق به دستور ناصرالدین شاه، کارهای دولتی بین شش وزارتخانه تقسیم شد، که عبارت بودند از، وزارت داخله، خارجه، جنگ، مایه، عدلیه و وزارت علوم، وزیران از شخص شاه دستور می‌گرفتند. این مجموعه مجلس دربار اعظم، یا «دارالشورای کبری دولتی» نامیده می‌شد. که علاوه بر شش وزیر، چند نفر از شاهزادگان و اعیان و اشراف نیز در آن عضویت داشتند. در سال ۱۳۸۳ تعداد وزرا به هفت نفر و در سال ۱۳۸۹ به نه وزیر افزایش یافت. این مجلس در ظاهر امور کشوری و لشکری را، بدون داشتن مسئولیت در برابر

صدراعظم و به دستور شاه حل و فصل می‌کرد. البته مصوبات این مجلس، هیچگاه به مرحله اجرا در نمی‌آمد (تکمیل مباحث، ۱۳۸۴: ۱۱۶).

پس از بازگشت ناصرالدین شاه از سفر اول فرنگ، در سال ۱۳۹۰ ق از آنجا که شاه تمایل خود را به اصلاحاتی در حکومت نشان داد، به پیشنهاد میرزا حسین خان مشیرالدوله سیهسالار، مقرراتی در باره حدود اختیارات و تکالیف وزیران و مأموران عالی‌رتبه دولت و فرماندهان و ولات و حکام ولایات تدوین شد. و شاه آن را زیر عنوان «قانون ضمنی فرمانی به صدراعظم ابلاغ کرد. صدراعظم نیز طی فرمان دیگری، تشکیل دربار اعظم را اعلام داشت (دورهم، ۱۳۸۵: ۱۰۱). نظام اسلام کرمانی، ۱۳۸۲: ۱۳۹.

در سال ۱۳۹۱ قمری، «کتابچه تنظیمات حسنه» تهیه و به امضای شاه رسید، و برای اجرا ابلاغ گردید. به موجب این قانون، هرولایت، لشکریاتی به نام «مجلس تنظیمات حسنه» داشت. اجرای این قانون برعهده اقتصاد السلطنه محول شد. (امدادسلطه، ۱۳۸۵: ۱۹۴. دهنوی، ۱۳۴۷: ۱۵۱). در کتابچه تنظیمات حسنه بندهای شانزدهم تا بیست و هشتم به تنظیم و اصلاح امور نظام و سربازگیری، حقوق و مواجب آنان و رسیدگی به لباس و تمرینات نظامی و نحوه رسیدگی به دعای که یک طرف آن نظامیان باشد، پرداخته شده است (دهنوی، ۱۳۴۷: ۱۵۲-۱۵۳). در سال ۱۳۹۸ قمری، ناصرالدین شاه، پیشنهاد میرزا ملکم خان را درباره ایجاد نه وزارت خانه و مسئول بودن وزرا پذیرفت (امیت، ۱۳۴۵: ۱-۱۰). و نماینده‌ای را به آلمان فرستاد تا از دولت آن کشور درخواست کند مشاورتی برای به انجام رساندن این اصلاحات به ایران اعزام کند (امداد). در اول ربیع الاول ۱۳۰۷ قمری و پس از بازگشت از سفر سوم به اروپا، یار دیگر ناصرالدین شاه از برپایی قانون و رفتار برپایه آن سخن گفت و پنج نفر از روشنفکران و تحصیلکاران فرانسه را به سرپرستی ملک آزا مامور نوشتن قانون کرد (امداد، ۱۳۴۷: ۱۲). ناصرالدین شاه در خصوص اهمیت قانون گفت: «در این سفر ملاحظه کردیم که تمام نظم و ترقی اروپا به جهت این است که قانون دارند. ما هم عزم خود را جزم نموده ایم که در ایران قانونی ایجاد نموده و از روی قانون رفتار نماییم... شما بنشینید و قانون بنویسید...» (ملک آزا، ۱۳۷۱: ۱۷۵). ملک آزا درخصوص نوشتن و تدوین قانون چنین توضیح می‌دهد که «... من قانون اساسی عثمانی را که مدحت پاشا ترتیب داده است، در طرف دو روز ترجمه کرده و به مجلس دربار حاضر کردم...» این قانون به دلیل مخالفت‌های نایب‌السلطنه و امین‌السلطان (که ظاهراً می‌پنداشتند قانون مزبور در مخالف با آنان ترجمه شده است) تصویب نشد (ملک آزا، ۱۳۷۱: ۱۷۷). همچنین کتابچه «قانون تسهیل ساختن طرق و شوارع» در سال ۱۳۰۷ قمری، با امضای اقتصادالسلطنه به چاپ رسید (دورهم، ۱۳۸۵: ۱۳۷).

موضوع تاسیس بانک را هم دنبال می‌کردند. یکی از پیشنهاددهندگان زان ساوالان بود که به نمایندگی از سوی گروهی از سرمایه‌داران و صرافان بزرگ فرانسوی به منظور تاسیس بانکی با سرمایه دو میلیون لیره انگلیسی، در رمضان سال ۱۲۸۱ (۱۸۶۵ م) به تهران آمد. این بانک براساس موافقت‌نامه تنظیم شده، کاملاً زیر نظر دولت ایران و مستقل از روس و انگلیس بود. اما به علل ناشناخته‌ای این اقدام نتیجه‌ای نبخشید (سوری، ۱۳۷۱: ۹۸). ده سال پیش از تشکیل بانک شاهنشاهی، یعنی در سال ۱۲۹۶ هجری قمری، حاج محمدحسن امین الضرب، در نامه‌ای به ناصرالدین شاه، ضمن اشاره به تاثیر بانک در پیشرفت صنعتی کشورهای اروپایی و یادآوری اینکه رواج صنعت و احداث خطوط راه آهن و تلگراف در ایران بدون ایجاد بانکی بزرگ میسر نیست، پیشنهاد کرد، با مشارکت دولت و ملت چنین موسسه‌ای ایجاد گردد (بارجه‌بانک ملی ایران، ۱۳۳۸: ۶۵-۷۱). نقش ویرانگر بانک شاهنشاهی که عملاً صرافان ایرانی را از میدان فعالیت و رقابت بیرون کرد، و به اهم اقتصادهای انگلیس در ایران تبدیل شد، نارضایت مردم را در پی داشت. به‌گونه‌ای که یکی از عوامل نارضایتی عمومی ایران شده در جنبش تنباکو، که تنها سه سال پس از تاسیس این بانک، بروز کرد؛ خشم از عملکرد آن بود. این واقعه را سامور سیاسی انگلیس نیز تایید می‌کند. او در گزارش خود نوشت که نفرت بازاریان شیراز، بیش از این که متوجه امتیاز تنباکو باشد، معطوف به فعالیت‌های بانک شاهنشاهی است؛ او در ادامه می‌نویسد: بازرگانان که از بانک شاهنشاهی بسیار نازاضی هستند، شرکی برای تاسیس یک بانک با چهار هزار سهم، هر سهمی بالغ بر ۲۵ تومان تشکیل داده؛ این اقدام تا چند روز دیگر خواهد شد. به این معنی که تجار از بانک شاهنشاهی نه برائی خواهند خرید و نه برائی خواهند فروخت (کدی، ۱۳۳۹: ۸۳). البته این اقدام هم راه به جایی نبرد. علاوه بر این باید ذکر کرد که، تاجرخانه جمشیدیان از سال ۱۲۶۵ خورشیدی، تاجرتخاه تومانیاس از حدود سال ۱۲۷۰ و شرکت عمومی ایران از سال ۱۲۷۸ خورشیدی با ایجاد شرکت‌های تجاری و ص. قی اولین تجربه‌ها را برای فعالیت‌های بانکی در ایران آغاز کرده بودند؛ اما همه این تلاش‌ها در نتیجه کمبود تجربه از یک سو و کار شکنی دو بانک خارجی (شاهنشاهی و استراسی) به شکست انجامید (بارجه‌بانک ملی ایران، ۱۳۳۸: ۸۳-۸۷). مجموعه این تلاش‌های ناموفق و آن فشارهای فرساینده را باید مهم‌ترین علت شور و شوق و استقبال نمایندگان و عموم مردم از تاسیس بانک ملی در دوره مشروطه به شمار آورد.

در دوره سلطنت مظفرالدین شاه و صدارت امین‌الدوله، در سال ۱۳۱۴ قمری نیز اصلاحاتی ساختاری، همچون تاسیس هیئت وزیران مسئول، برپا کردن مجلس عمومی اصلاحات با شناختن حق افراد در تقدیم نقشه اصلاحات، تمرکز دستگاه مالی، رساندن مالیات کامل ولایات به خزانه، تعدیل دخل و خرج، بستن مالیات مستقیم به مواجبه‌های هنگفت که صاحبان آنها

در میان نهادهای جدیدی که در دوره ناصرالدین شاه پدیدآمدند، مجلس شورای دولت و مجلس مصلحت خانه، پایدارتر و مهمتر از بقیه بودند. اگرچه این دو نهاد از ابتدای تاسیس، از توجه مستمر و عنایات ثابت شاه برخوردار نبودند و جایگاه و نقش و کارکرد آنها به شدت تحت تاثیر هوی‌وهوس‌ها و انفعال، یا تشدید احساسات ترقی خواهانه ناصرالدین شاه و کهنه‌پرستان درباری قرارداشت، اما در مقایسه با سایر نهادها ماندگارتر شدند، و تا عصر مشروطه، (اگرچه نه به شکلی فعال، لاقلاً به‌گونه‌ای صوری وزیتی) باقی ماندند (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۷: ۱۱۵). مجلس مصلحت خانه، نسبت به شورای دولتی، از اهمیت بیشتری برخوردار بود. این نهاد در واقع مجلس وضع قانون بود. به همین دلیل در سال‌های حیات خود (همانند شورای دولت که به مجلس وزرا یا مجلس دربار اعظم تغییر نام داد) نامش به مشورتخانه دولت، مجلس دارالشورا و مجلس درباراعظم تغییر یافت، و ترکیب اعضا و وظایف و نقش آن نیز دگرگون شد. همان‌گونه (۱۳۲۶) البته باید به این نکته مهم مجدداً اشاره کرد که این تصمیمات و اصلاحات هرگز تحولی جدی بوجود نیاوردند.

تاج‌السلطنه در خاطرات خود از زبان امین‌الدوله (همسر پدرش) نقل می‌کند که ناصرالدین شاه قبل از رفتن به زیارت حضرت عبدالعظیم، به او گفته بود که پس از جشن پنجاهمین سالگرد سلطنت خود «مالیات را موقوف [می] کنم، مجلس شورا را برای ایشان افتتاح [می] کنم، از ولایات وکیل از طرف رعایا در آن مجلس [می] پذیرم، گمان نمی‌کنم صلاح رعیت در قتل من باشد» (انصاری و سدیدیه‌بان، ۱۳۳۲: ۲۰). همچنین از قول ناصرالدین شاه نقل شده است که در سفر تبریز درباره شکل حکومت خود گفته بود: «عمل من اگر استبدادی است، وجهه نظر من مشروطه است و خودم از حدود تجاوز نمی‌کنم» (مدایت، ۱۳۳۳: ۱۵). اگرچه نمی‌توان چنین ادعاهایی را چندان جدی گرفت (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱۵۲) اما با توجه به مسافرت‌های شاه به کشورهای پیشرفته اروپایی و دستورات او مبنی بر نوشتن قانون و ایجاد اصلاحات، باید پذیرفت که او و اطرافیانش از حکومت قانون و نهادهای قانونی، اطلاعاتی داشتند؛ اگرچه این آگاهی‌ها سطحی، غیرواقعی و همچون هوسی زودگذر، پیدای می‌شد و ناپدید می‌شد. به این ترتیب، اندیشه سلطنت مقید به قانون و مشروط به آن، برای شاه، درباریان، پشویان روحانی و غیرروحانی شناخته شده بود.

یکی دیگر از مواردی که باید به آن اشاره کرد تاسیس بانک با سرمایه ایرانی می‌باشد. ناصرالدین شاه سال‌ها پیش از تاسیس بانک‌های خارجی در ایران (بانک استراسی و بانک شاهنشاهی) به تاسیس بانکی به شیوه فرنگی تمایل پیدا کرد. به همین علت در سال ۱۲۸۰ قمری (۱۸۶۳ میلادی) میرزا محمدخان ناصرالملک و حسنعلی خان، وزرای مختار ایران در لندن و پاریس که مشغول مذاکره با سرمایه‌داران غربی برای تاسیس راه آهن در ایران بودند،

مالیاتی نمی پرداختند، کاهش فشار حکومت و دادن آزادی نسبی، نشر معارف و گسترش مطبوعات تازه صورت گرفت و حتی لزوم برپایی حکومت ملی، به عنوان یگانه راه کارسیاسی در مجلس کنکاش دربار مطرح شد، ولی همه اینها نیز در اجرا به شکست انجامید. (امیت، ۱۳۵۰، ص ۲۲-۲۱)

نتیجه

ظهور و پیدایش مشروطیت در ایران، به عنوان پدیده ای اجتماعی - سیاسی، می تواند از دیدگاه های گوناگون مورد بررسی قرار گیرد. اما "فهم" مشروطه، عرصه ای برآمده از آن واقعیت تاریخی می باشد و ناظر به بررسی، تحلیل و ارزیابی دیگری است. به عبارت دیگر، نمی توان استدلال کرد که چون جنبش مشروطه خواهی در نهادینه کردن برخی از اهداف خود، با موانعی مواجه شده است، بنابراین فعالان جنبش، فهم درست و دقیقی از مشروطه و مشروطیت نداشته اند. اگر جنبش مشروطیت را در درون تحولات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی ایران قرار دهیم، و چنانچه آن را در رابطه با تحول خواهی ایرانیان بررسی کنیم، آنگاه این جنبش، جایگاه تاریخی خود را خواهد یافت و ادامه همان تحولات خواهد بود. به عبارت دیگر، مشروطیت از این منظر، نتیجه تلاش هایی بود که لاقفل از زمان شکست های ایران از روسیه آغاز شد. کوشش هایی که با شدت و ضعف در سراسر دوران قاجار ادامه پیدا کرد و در جستجوی پاسخگویی به نیازها برای پیشرفت و ترقی بود. اگر با این پایه معرفی، جنبش مشروطه خواهی را مورد بررسی قرار دهیم، تلاش های مشروطه خواهان در نهادینه کردن مدرنیته در فرهنگ و جامعه ایران، صورت دیگری پیدا می کند. به این ترتیب آمال رهبران مشروطه طلبان و اقدامات مردم مکمل یکدیگر هستند.

بررسی اسناد آن دوره، به شفاف شدن فضایی می انجامد که در آن با شناختن رویکرد عقبنمائی ایران را به عدم فهم و آگاهی رهبران مشروطه از مؤلفه های مدرنیته و نوسازی فرهنگی و اجتماعی نسبت می دهند. اما پیشینه مواجهه روشنفکران ایرانی با این موضوع، حکایت دیگری را بیان می کند. نوشته ها و اندیشه های افرادی همچون ملکم خان، آخوندزاده و میرزابوسف مستشارالدوله، تأییدی بر ادعای این مقاله به شمار می آیند. از منظر روشنفکران و نخبگان ایران، جهل و استبداد عوامل اصلی نابسامانی اوضاع ایران بودند. مفاهیمی که به وسیله آنان وارد اندیشه و فرهنگ ایران شد، برخی جدید بودند و برخی با مضامینی تازه عرضه شدند. به عنوان مثال "عدالت" مورد نظر مشروطه خواهان، در حکومت قانون جامعه عمل می پوشید؛ بستر عدالت از نظر آنان، آزادی بود، و آزادی نیز در نهادینه شدن قانون و استقرار

حکومت مبتنی بر قانون اساسی، عینیت می یافت. با چنین درکی از مفهوم عدالت، رهبران مشروطه، بیناگذاری نهاد قانون و سازماندهی تشکیلات اداره کشور را در اولویت قرار دادند. با این روش، حقوق مردم تضمین می شد و از برابری آحاد مردم در برابر قانون و اجرای عدالت، دفاع به عمل می آمد. براین اساس، آزادی در برابر استبداد قرار می گرفت، ماهیتی حقوقی و سیاسی داشت و امری قابل تأسیس به شمار می آمد.

با پیروزی مشروطه خواهان، دو مسئله مهم در برابر آنان قرار گرفت. نخستین مسئله مربوط به عدم وجود مقررات و قوانین خاص می شد. زیرا، نبود مقررات و قوانین، از یک طرف باعث پایین آمدن کیفیت فعالیت آنان می شد و از سوی دیگر، جهته مشروطه خواهان را در برابر مستبدین تضعیف می کرد. مسئله دوم و خامت حال شاه بود. رهبران جنبش که محمداعلی میرزا را در مشروطه خواهی صادق نمی دانستند، مظفرالدین شاه را همچون سدی در برابر ولیعهد و هواداران او می پنداشتند، بنابراین می بایست هم به فکر تضمین و تحکیم موقعیت مجلس باشند و هم برای برپایی حکومت قانون وارد عمل شوند. بنابراین تدوین قانون و مقررات برای ایجاد نظم و افزایش کارآمدی حکومت جدید، حیاتی بود.

با توجه به آشنایی گروهی از رهبران فکری و سیاسی مشروطه خواه با فرهنگ اروپایی، و با هدف سرعت بخشیدن به نهادینه کردن مجلس و سایر آرمان های جنبش، تصمیم گرفته شد تا مبنای قانون کشورهای که از نظر این گروه بیش از کشورهای دیگر دموکراتیک بودند و با ایران نیز خصوصیتی نداشتند، استخراج گردد. بنابراین، تدوین و به انضا رساندن قانون اساسی، کاری بسیار مهم بود. از آن پس مجلس و نمایندگان به عنوان نماینده قاطبه اهالی مملکت خوانده شدند، مردمی که تا آن زمان رعیت شاه محسوب می شدند، دارای هویت جدید و مستقلی شدند و در امور جاری کشور شریک گردیدند. به این ترتیب، نخستین بنیادهای دموکراسی را مستقر گردید، قانون اساسی مشروطیت را می توان قراردادی اجتماعی در راستای کاربرد آن در خواست های اجتماعی و سامان دادن به مناسبات اجتماعی دانست. البته، قانون اساسی مصوب مجلس شورای ملی، مستقل از مناسبات اجتماعی و نیازهای جامعه و قانونگذاران نبود. قانون اساسی مشروطیت در واقع سومین قانونی بود که از دوره ناصرالدین شاه تا آن زمان در ایران تدوین شده بود. قانون های قبلی به مرحله عمل نرسیدند. اما قانون اساسی مشروطیت، متأثر از شرایط و مناسبات اجتماعی در مجلس مطرح شد و تصویب گردید. علت استقرار و تداوم آن نیز همین بود مشروطه خواهان با تدوین و تصویب قانون اساسی و متمم آن، ادبیات سیاسی جدیدی را به وجود آوردند. براساس این ادبیات جدید، ایران، مسکن ایرانیان به شمار می آمد. بنابراین "ایرانی" بر اساس محدوده جغرافیایی کشور ایران، تاریخ و تمدن مشترک، زبان فارسی، دین مشترک، نظام حقوقی واحد و سیستم یکسان

هنوز در ابتدای سیر تکاملی خود بودند. بنابراین عوامل دیگری در تضاد با آن بنیادهای می‌توانست آنها را از حرکت بازدارد.

منابع و مأخذ:

۱. آبدیان، حسین (۱۳۷۱) مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروطه، تهران: نشر نی
۲. آبراهامیان، پروین (۱۳۷۸)
۳. آبراهامیان، پروین (۱۳۷۷) ایران بین دو انقلاب، اثر مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزی‌سند، حسن شمس‌آزادی، محسن منیر شاهه چی، تهران: نشر مرکز
۴. _____ (۱۳۷۶) مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ترجمه سهیلا تراسی فارسانی، تهران: شیرازه
۵. آدمیت، فریدون (۱۳۵۵) آیدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران: پیام
۶. _____ (۱۳۵۶) تفکر اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار مشتر شده دوره قاجار تهران: انتشارات آگاه
۷. انجابه، منصوره، سعدوندیان، سیروس (۱۳۶۲) ولعفات انقلابی در روزگار، محمد مهدی شریف کاشانی، تهران: نشر تاریخ ایران
۸. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۸۵) روزنامه خاطرات، با مقدمه و فهرست‌های ایرج افشار، تهران: امیرکبیر
۹. اکبری، محمدعلی (۱۳۸۲) سیاحت نامه لراهیم بیک، پانتهای علیه وضع موجود، در بررسی سیاسی فکری و اجتماعی مشروطیت ایران، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
۱۰. باستان، مهدی (۱۳۷۸) شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، چاپ پنجم، تهران: انتشارات روزگار
۱۱. براون، انور (۱۳۷۶) انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه مهدی فروزی، تهران: انتشارات کبیر
۱۲. تکمیل همدان، ناصر (گردآورنده) (۱۳۸۳) مشروطه خوانی ایرانیان، تهران: مرکز باستان‌شناسی اسلام و ایران
۱۳. نیسوری، لراهیم (۱۳۶۱) تحریم تنباکو، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی
۱۴. باغعلی، محمد تقی (۱۳۵۷) اولین فرمان ایران قبل از مشروطیت، تهران: بهار
۱۵. رضوانی، محمداسماعیل (۱۳۶۵) انقلاب مشروطیت ایران، تهران: انتشارات کتابخانه ابن سینا
۱۶. زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۷) رسالت مشروطیت، چاپ دوم، تهران: کبیر
۱۷. زیاده‌اشراق، صادق (۱۳۷۷) سنت و مدرنیسم تهران: انتشارات روزبه
۱۸. _____ (۱۳۷۶) ما چگونه ما شدیم، چاپ سوم، تهران: انتشارات روزبه
۱۹. عن السلطنه (۱۳۷۷) روزنامه خاطرات، ج ۳، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر
۲۰. فوران، جان (۱۳۷۸) مقاومت شکننده، ترجمه احمددین، چاپ سوم، تهران: رسا
۲۱. کانوریان، محمدعلی (۱۳۸۱) عقدا دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه طبرسا طبیب، تهران: نشر نی
۲۲. کدی، نیکی‌آر (۱۳۶۹) ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گوهری، تهران: انتشارات علم
۲۳. کسروی تهریزی، احمد (۱۳۷۳) تاریخ مشروطه ایران، چاپ مقدم، تهران: بهار کبیر
۲۴. مرفا، آبی، ابن‌القائین (۱۳۸۱) سیاحت نامه لراهیم بیک، به کوشش م. ع. سیالور، تهران: نشر کاکه
۲۵. مسعودی، عبدالله (۱۳۶۳) شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار تهران، روزگار
۲۶. ملک آرد عباس میرزا (۱۳۶۱) شرح حال پانفدهه عباس قبال آشتیانی، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: سروش
۲۷. مزارشاهی، غلامحسین (۱۳۷۸) ملاکرات مجلس اول، تهران: انتشارات مایه

مالی و سیاسی، تعریف شد. به عبارت دیگر، با عملی شدن و تداوم برخی از آرمان‌های مشروطه‌طلبان، الگوهای کهن سیاسی از اعتبار افتادند و آموزه‌های جدید جانشین آنها گردیدند. به عبارت دیگر تفکرات مبتنی بر ملیت خواهی از مصادیق حکومت‌های مدرن است. از این منظر، ملت پایگاه دولت است و دولت نماینده اراده ملت به شمار می‌آید. مذاکرات نمایندگان مجلس اول شورای ملی، تأییدی بر درک آنان از ایده‌های ملیت خواهی است. یکی از اولین نشانه‌های این آگاهی در واکنش نمایندگان به درخواست استعراض خارجی حکومت و ضرورت رسیدگی به امتیازهای خارجی (شیلات دریای خزر، بانک شاهنشاهی، نفت و ...) مشهور شد. کردند، ممنوع بودن فروش امتیازنامه‌هایی که ایرانیان از شاه و یا دولت دریافت می‌کردند به اتباع خارجی، و انتقاد شدید به فزاینده، نشانه‌های دیگری از فهم و درک حاکمیت و منافع ملی است. به همین ترتیب، تلاش برای تنظیم بودجه و تعدیل دخل و خرج عمومی، لغای رسم نیولنداری و معیبری علمی برپایه بررسی‌های آماری جهت تنظیم مالیات‌ها را باید در همان راستا قرار داد.

قانون‌مندی آزادی‌های اجتماعی از دیگر خصوصیات حکومت مشروطه به شمار می‌آید. رهبران جنبش مشروطه‌خواهی، از انجمن‌ها حمایت کردند. از منظر آنان، این حمایت به معنای دفاع از معیارهای آزادی در نظام مشروطه بود. انجمن‌ها حرم مدنی را گسترش می‌دادند و در برابر تجاوزکاری‌های حکومت مقاومت می‌کردند. انجمن‌ها با هواداری از آرمان‌های مشروطیت، مجلسیان را در موضع قدرت نگه می‌داشتند. حمایت مکرر این انجمن‌ها از مجلس به عنوان اساس مشروطیت، منازعات نمایندگان و مخالفان مشروطه را به سود مجلس پیش می‌برد.

بنابراین جنبش مشروطه‌خواهی پدیده‌ای خلق‌الساعه نبود، پیروزی جنبش مشروطه‌خواهی به ثمر نشستن آمال دیربای مردم بود، به عبارت دیگر، مشروطیت ریشه در گذشته تاریخی داشت. به این ترتیب علت عدم بروز پدیده خشونت در جریان پیروزی جنبش نیز قابل فهم خواهد بود. اهداف مشروطه‌خواهان و اصلاحات مورد نظر آنان در میان مردم دارای زمینه و سابقه بود، بنابراین در مرحله پیروزی مخالفی جدی وجود نداشت که با آن به مقابله برخیزد. بروز خشونت و مشکلات ناشی از آن مربوط به مراحل بعد از پیروزی می‌باشد.

اگر مشروطه خواهان از مبانی مشروطیت آگاهی نداشتند، و اگر جنبش مشروطه برآمده از تاریخ این کشور نبود، چگونه توانستند نهادهایی به وجود آورند که تا امروز علیرغم فراز و نشیب‌های فراوان باقی مانده و چهره تازه‌ای به سیاست و اجتماع داده است؟ البته بلافاصله باید متذکر شد که مشروطیت بنیادهای تکامل یافته‌ای نداشت و پدیده‌ای نویناد و ناکامل بود. به عبارت دقیق‌تر، عوامل فرامدهنده و نیروبخش به بنیادها و نهادهای تازه تأسیس مشروطیت،

ارزیابی کاربرد هرمنوتیک در پژوهش های سیاسی اسلامی

بهرام اخوان کاظمی *

استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

(تاریخ دریافت: ۸۵/۸/۱۵ - تاریخ تصویب: ۸۵/۱۲/۲)

چکیده:

نظر به رواج و رونق روزافزون مباحث هرمنوتیک در دو دهه اخیر سؤال اصلی این پژوهش پرسش از میزان و نحوه کاربری هرمنوتیک در عرصه پژوهش دینی و به ویژه حوزه سیاسی آن است. به عبارت بهتر، سؤال از امکان یا امتناع کاربرد دانش و روش هرمنوتیک در قلمرو مذکور می باشد.

مفروض این تحقیق آن است که امکان استفاده از دانش هرمنوتیک در عرصه های قرآن و دین پژوهی کاملاً منطقی نیست و به استثنای نخله هرمنوتیک فلسفی، می توان از برخی روش های هرمنوتیک کلاسیک که مشابه تأویل و تفسیر اسلامی بوده و نسبی اندیش نبوده و به اصالت و تعیین متن وفادار هستند، استفاده کرد و با حذف جوانب نامعماز این روش ها با اندیشه اسلامی، آنها را در حوزه معرفت شناسی و پژوهش های سیاسی اسلامی به مثابه روش و همچنین دانش، به کار برد.

واژگان کلیدی:
هرمنوتیک - اسلام - سیاست - روش شناسی - تفسیر - معرفت شناسی - فلسفه

۲۸. ناظم الاسلام کرمانی، محمد (۱۳۶۲) تاریخ پیدایی ایرانیان، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات آگاه

۲۹. واتسن، ر. ج. (۱۳۵۸) تاریخ ایران در دوره لاجاریه، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: کتاب های سیمرغ

۳۰. ورمهانی، غلام رضا (۱۳۸۵) نظام سیاسی و سازمانهای اجتماعی ایران در عصر لاجاریه، تهران، معین

۳۱. هدایت (معتبرالسلطه) مهدی قلی خان (۱۳۶۳)، طلوع مشروطیت، به کوشش امیر اسماعیلی، تهران: انتشارات جام

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:
"تولت و جامعه مدنی در تئوری روابط بین المللی"، سال ۷۶، شماره ۳۶ - "ساختارگرایی در نظریه روابط بین الملل، از والرشین تا والتر"، سال ۷۶، شماره ۳۷ - "احیاء نظریه دولت در علوم سیاسی"، سال ۷۶، شماره ۳۸ - "دین و ملیت در هویت ایرانی"، سال ۸۵، شماره ۳۷ - "گرایندهای سیاسی - اجتماعی و ظهور گفتمان پست صهیونیسم در اسرائیل"، سال ۸۵، شماره ۷۱ - "ناسیونالیسم، مسئله هویت و دولت ملی در تئوری اجتماعی"، سال ۸۶، شماره ۵.

این مجله در پایگاههای اطلاعاتی زیر نمایه می شود

۱. انفورماتیک دانشگاه تهران www.it.ut.ac.ir
۲. کتابخانه منطقه‌ای علوم و تکنولوژی (شیراز) www.srlst.com
۳. پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی www.SID.ir
۴. مجتمع مطبوعات تخصصی کشور www.majalleh.com
۵. بانک اطلاعات نشریات کشور www.magiran.com

«فصلنامه سیاست» بیشتر به مدت ۳۶ سال از ۱۳۴۹ تا پایان ۱۳۸۵، شماره ۷۴ با نام «مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی» در بردارنده بخش مقاله‌های حقوقی و سیاسی منتشر می‌شد.

- مدیر اجرایی: حسین یکتا
- آماده‌ساز: ملیحه علی
- امور مربوط به مشترکین: حسین طالقانی
- ناشر: دانشگاه تهران
- صحافی و چاپ: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- نشانی پستی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، دانشگاه تهران
- آدرس وب سایت: WWW.Journals.ut.ac.ir
- آدرس الکترونیکی: <http://JPQ.ut.ac.ir>
- قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال
- برای دانشجویان دانشکده: ۸۰۰۰ ریال



فصلنامه سیاست

مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دوره ۳۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷ شماره شابک: ۹۶۷۸-۱۷۳۵

نویسندگان این شماره:

۱	: مؤلفه‌های هویت ملی با رویکردی پژوهشی	سیدرحیم ابوالحسنی
۲۳	: زمینه‌های پیدایش جنگ‌های داخلی در تاجیکستان پس از استقلال و نقش جمهوری اسلامی ایران در برقراری صلح و ثبات در آن کشور	فرشته سادات اتفاق‌فر
۳۹	: پیوستار تاریخی جنبش‌های اجتماعی - سیاسی معاصر ایران	حمید احمدی و مرتضی منشادی
۵۵	: ارزیابی کاربرد هرمنوتیک در پژوهش‌های سیاسی اسلامی	بهرام اخوان کاظمی
۷۷	: تأثیر اندیشه‌هایک بر ایدئولوژی‌های سیاسی راست و چپ	مجید استوار
۹۹	: سیاست‌های انتقال فاوا: بررسی نقش دانش ضمنی	کیومرث اشتریان و راضیه امامی میبیدی
۱۱۳	: شکل‌بندی امنیت همیارانه در خلیج فارس	همایون الهی و زهره پوستین‌چی
۱۳۳	: سیاست امنیت ملی آیزنهاور و تأثیر آن بر سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران	محمدرضا تخشید و جهانشیر منصوری مقدم
۱۵۳	: روشنفکری و سیاست در گذر تاریخ	محمد توحیدفام
۱۷۷	: هویت، حاکمیت و نوسازی: ایران در آرشو سازمان‌های بین‌المللی در ژنو (۱۹۰۰-۱۹۲۵)	سیدمحمدکاظم سجادی‌پور
۲۰۱	: عمل‌گرایی در سیاست خارجی و گسترش روابط اقتصادی ایران و چین (۱۹۷۹-۱۹۹۹)	محمدعلی شیرخانی و اکبر مهدی‌زاده
۲۲۷	: میراث جورج بوش در خاورمیانه و چالش پیش روی باراک اوباما	فرهاد عطایی
۲۴۳	: نقش روابط تسلیحاتی هند و اسرائیل در ژئوپولیتیک منطقه‌ای	مسعود مرادی
۲۵۹	: جایگاه حقوق بشر در نظریه‌های روابط بین‌الملل	نسرین مصفا و نبی‌الله ابراهیمی
۲۷۹	: تهران در آینه سیاست‌گذاری شهری	مجید وحید
۲۹۹	: قدرت نرم‌افزاری ایران در دوران ریاست جمهوری خاتمی (۱۳۸۴-۱۳۷۶)	حسین هرسیج و اعظم ملایی

Email: Politics@ut.ac.ir

تلفکس ۶۶۴۹۴۹۹۰

به نام خداوند جان و خرد

فصلنامه سیاست

(علمی - پژوهشی)

مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

دوره ۳۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷



فصلنامه سیاست

مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دوره ۳۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷ شماره شایک: ۹۶۷۸-۱۷۳۵

نویسندگان این شماره:

- | | | |
|-----|--|---|
| ۱ | مؤلفه‌های هویت ملی یا رویکردی پژوهشی | سیدرحیم ابوالحسنی |
| | زمینه‌های پیدایش جنگ‌های داخلی در تاجیکستان پس از استقلال و نقش جمهوری اسلامی ایران در برقراری صلح و ثبات در آن کشور | فرشته سادات اتفاق‌فر |
| ۲۳ | پیوستار تاریخی جنبش‌های اجتماعی - سیاسی معاصر ایران | حمید احمدی و مرضی منشادی |
| ۳۹ | ارزیابی کاربرد هرمنوتیک در پژوهش‌های سیاسی اسلامی | بهرام اخوان کاتلمی |
| ۵۵ | تأثیر اندیشه‌هایک بر ایدئولوژی‌های سیاسی راست و چپ | مجید استوار |
| ۷۷ | سیاست‌های انتقال فاوا: بررسی نقش دانش ضمنی | کیومرث اشتریان و
راضیه امامی میبیدی |
| ۱۱۳ | شکل بندی امنیت همیارانه در خلیج فارس | همایون الهی و زهره پوستین‌چی |
| | سیاست امنیت ملی آیزنهاور و تأثیر آن بر سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران | محمد رضا تخشید و
جهانشیر منصوری مقدم |
| ۱۳۳ | روشنفکری و سیاست در گذر تاریخ | محمد توحیدفام |
| ۱۵۳ | هویت، حاکمیت و توسازی: ایران در آرشیو سازمان‌های بین‌المللی در ژنو (۱۹۲۵-۱۹۰۰) | سیدمحمدکاظم سجادیپور |
| ۱۷۷ | عمل‌گرایی در سیاست خارجی و گسترش روابط اقتصادی ایران و چین (۱۹۷۹-۱۹۹۹) | محمدعلی شیرخانی و
اکبر مهدی‌زاده |
| ۲۰۱ | میراث جورج بوش در خاورمیانه و چالش پیش روی باراک اوباما | فرهاد عطایی |
| ۲۲۷ | نقش روابط تسلیحاتی هند و اسرائیل در ژئوپولیتیک منطقه‌ای | مسعود مرادی |
| ۲۴۳ | جایگاه حقوق بشر در نظریه‌های روابط بین‌الملل | سرسین مصفا و نبی‌الله ابراهیمی |
| ۲۵۹ | تهران در آینه سیاست‌گذاری شهری | مجید وحید |
| ۲۷۹ | قدرت نرم‌انزاری ایران در دوران ریاست جمهوری خاتمی (۱۳۸۴-۱۳۷۶) | حسین هرسبیج و اعظم ملایی |

Email: Politics@ut.ac.ir
تلفکس ۶۶۲۹۲۹۹۰